

بسم الله الرحمن الرحيم

حقیقت و ماهیت ملائکه در کتب تک نگاری شده

سید اسد اله موسوی عبادی

چکیده:

فرشتگان، به عنوان موجوداتی غیبی و شریف، از جایگاهی ویژه در نظام معرفت اسلامی برخوردارند و شناخت ماهیت آنها یکی از مسائل بنیادین در فهم نقش غیبی آنان در حیات انسان است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، به بررسی دیدگاه‌های گوناگون اندیشمندان مسلمان (براساس کتب تک نگاری) درباره حقیقت فرشتگان پرداخته و با دسته‌بندی این دیدگاه‌ها در قالب مکاتب فلسفی-عرفانی، نقلی-سلفی، تفسیری-تلفیقی، و تربیتی-اجتماعی، تلاشی برای ارائه تصویری جامع و ساخت‌یافته از چیستی ملائکه و مراتب وجودی آنان ارائه داده است. این مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم اتفاق نظر بر مجرد و عصمت ملائکه، اختلافاتی جدی در تفسیر حقیقت وجودی و نحوه تجلی آنها در عالم محسوس، میان مکاتب گوناگون وجود دارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نگرش فلسفی-عرفانی با تأکید بر مراتب مجرد و تجلی مثالی، توانسته است تبیین عمیق‌تری از جایگاه فرشتگان در نظام هستی ارائه دهد، در حالی که مکاتب نقلی-سلفی بیشتر به ظواهر نصوص پایبند بوده و از تحلیل‌های عقلانی پرهیز کرده‌اند. از سوی دیگر، مکاتب تفسیری و تربیتی تلاش داشته‌اند تا ضمن حفظ مبانی عقلی و نقلی، نقش معنوی و عملی فرشتگان در زندگی انسان را نیز تبیین کنند. در نهایت، پژوهش حاضر بر آن است که درک صحیح از فرشتگان نه تنها جنبه‌ای معرفتی دارد، بلکه تأثیر مستقیم بر ایمان، اخلاق و رفتار دینی انسان می‌گذارد و از این رو، شایسته توجهی عمیق و چندبعدی است.

مقدمه:

فرشتگان، به عنوان موجوداتی غیبی و شریف، همواره در منظومه معرفت دینی جایگاه والایی داشته‌اند. در متون اسلامی، از جمله قرآن کریم و روایات معتبر، از آنان به عنوان واسطه‌های تحقق اراده الهی در عالم تکوین و تشریع یاد شده است. حضور مؤثر فرشتگان در عرصه‌هایی همچون وحی، ثبت اعمال، امداد الهی، قبض ارواح، و حمایت از مؤمنان، از ابعاد گوناگون حیات انسان پرده برمی‌دارد. با این همه، درک این نقش‌آفرینی عمیق و دقیق، منوط به شناختی بنیادین از حقیقت و ماهیت آنان است.

از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است تا با تمرکز بر آثار تألیفی و تک‌نگاری‌هایی که مستقیماً به حقیقت و چیستی ملائکه پرداخته‌اند، یا در ضمن مباحثی گسترده‌تر بخشی از مباحث خود را به تحلیل ماهیت فرشتگان اختصاص داده‌اند، تصویری

جامع و تحلیلی از دیدگاه‌های مطرح درباره فرشتگان ارائه دهد. این بررسی با هدف فهم دقیق‌تر جایگاه وجودی ملائکه در نظام هستی و تبیین تأثیر آنان در زندگی انسان، سامان یافته است. مطالعه حاضر، ضمن گردآوری و تحلیل دیدگاه‌های متفکران مسلمان از مکاتب مختلف، تلاش می‌کند تا با رویکردی مقایسه‌ای و عقلانی و مبانی شناخت‌شناختی مربوط به این موجودات ملکوتی را واکاوی کرده و از این رهگذر، به تقویت باورمندی و تعمیق معرفت درباره نقش غیبی فرشتگان در حیات فردی و جمعی انسان بپردازد.

بیان مسئله:

در آموزه‌های دینی اسلام، ملائکه به عنوان موجوداتی غیرمادی و واسطه‌هایی بین عالم غیب و شهادت، نقش مهمی در تدبیر الهی ایفا می‌کنند. با آن‌که در قرآن کریم و روایات، اشاره‌های مکرری به وظایف و عملکرد فرشتگان آمده است، اما مسئله «حقیقت و ماهیت» آن‌ها، همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده و دیدگاه‌های گوناگونی در این باره شکل گرفته است. برخی آنان را موجوداتی نوری و روحانی دانسته‌اند و برخی دیگر تحلیل‌های عقلانی و فلسفی عمیق‌تری از جایگاه هستی‌شناختی آن‌ها ارائه کرده‌اند. پرسش اساسی این است که فرشتگان، از منظر قرآن و تفکر اسلامی، چه نوع موجوداتی هستند و حقیقت و ماهیت آنان چگونه قابل فهم است؟ همچنین این پرسش مطرح است که شناخت دقیق ملائکه چه تأثیری در فهم نقش آن‌ها در زندگی انسان دارد؟

پیشینه تحقیق:

مطالعه حقیقت و ماهیت ملائکه، پیشینه‌ای دیرینه در میان متفکران مسلمان دارد. آثاری چون "حقیقه الملائکه" تألیف ابن تیمیه، "ماهیت الملائکه" از علامه طباطبایی، "الملائکه فی القرآن" از عبدالرزاق الکحاله، و همچنین تحقیقات مقایسه‌ای مانند "ماهیت و ویژگی‌های ملائکه در تفاسیر قرآن" اثر محمد نصاری، هر یک تلاش کرده‌اند تا از منظری خاص به تبیین ابعاد گوناگون این موجودات بپردازند. هرچند نگاه‌ها متفاوت است، اما در همه آن‌ها نوعی اتفاق نظر بر تجرد و روحانیت فرشتگان به چشم می‌خورد. این پژوهش، با نگاهی جامع، این آثار را گردآوری و تحلیل کرده و به مقایسه آن‌ها پرداخته است تا خلأ موجود در تبیین تطبیقی این موضوع را جبران کند.

اهداف تحقیق:

۱. تبیین دقیق مفهوم و حقیقت ملائکه از منظر دیدگاه‌های مختلف.
۲. تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی درباره ماهیت فرشتگان.
۳. بررسی نقش وجودی و کاربردی ملائکه در نظام هستی و حیات انسانی.

۱- ماهیت ملائکه

ماهیت، علامه طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، تاریخ انتشار: ۱۳۹۰ هجری شمسی، زبان: عربی

علامه طباطبایی با بهره‌گیری از ترکیب عقل و نقل و بر اساس مبانی حکمت متعالیه و فلسفه اسلامی شیعی، نگاهی عمیق، نظام‌مند و جامع به حقیقت ملائکه دارد. نکات برجسته دیدگاه او:

- فرشتگان را موجوداتی غیرمادی، مجرد و فاقد جسم می‌داند؛
- جایگاه آنان را در نظام تکوین و تدبیر الهی تحلیل می‌کند؛
- نقش آن‌ها را در واسطه‌گری میان امر الهی و عالم طبیعت تبیین می‌کند؛
- بر خلاف ظاهرگرایان، تمثّل ملائکه در قالب‌های حسی را نه به معنای جسمانیت واقعی، بلکه تجلی مثالی می‌داند؛
- بر اساس آیات قرآن، فرشتگان را شعورمند، مختار در طول اراده الهی، و دارای مراتب وجودی متفاوت معرفی می‌کند.

دیدگاه علامه، برخلاف نگاه محدود و حدیث‌محور برخی از دانشمندان مسلمان، با تفسیر عقلی و عرفانی هماهنگ است و بر مراتب هستی، نظام علی و نظم عقلی آفرینش تأکید دارد.

در نتیجه، نگاه علامه طباطبایی به ملائکه، توحیدی، فلسفی، عقلانی و همسو با متون دینی شیعی است که فرشتگان را حلقه‌های واسطه بین امر الهی و مظاهر طبیعی عالم می‌داند.

۲- ماهیت و ویژگی های ملائکه در تفاسیر قرآن

ماهیت و ویژگی های ملائکه در تفاسیر قرآن، نصاری، محمد، مهر امیرالمومنین، قم، ۱۳۹۷

این پژوهش رویکرد تطبیقی میان تفاسیر شیعه و اهل سنت در موضوع فرشتگان دارد و تلاش می‌کند تصویری جامع از دیدگاه‌های فریقین ارائه دهد. نکات اصلی دیدگاه نویسنده:

- فرشتگان را موجوداتی غیبی و نقش‌آفرین در نظام هستی و حیات انسانی می‌داند (مانند ثبت اعمال، ابلاغ وحی، قبض روح).
- مجرد، عصمت، اختیار، و نسبت ابلیس با فرشتگان را مهم‌ترین نقاط اختلاف در تفاسیر معرفی می‌کند.
- با مقایسه میان دیدگاه‌ها، نویسنده نتیجه می‌گیرد که مفسران شیعه با تلفیق عقل و روایات اهل بیت (ع) تحلیل عمیق‌تر و سازگارتر با قرآن ارائه داده‌اند.
- رویکرد پژوهش توصیفی - تحلیلی است و به بررسی اختلافات تفسیری و مبانی فکری دو مذهب می‌پردازد.

در مجموع، محمد نصاری تأکید دارد که نگاه شیعی به ملائکه به دلیل تکیه هم‌زمان بر عقل و نقل معتبر، از انسجام معرفتی بالاتری برخوردار است و در درک ماهیت و حقیقت ملائکه، جامع‌تر و قرآنی‌تر می‌باشد.

۳- پژوهشی در حقیقت ملائکه

پژوهشی در حقیقت ملائکه، فریبا چناری، نیکان کتاب، اول، ۱۳۸۴

نویسنده با نگاهی تلفیقی از روایات اسلامی، فلسفه‌ی اسلامی و نصوص قرآنی، ملائکه را موجوداتی مجرد، دارای شعور، عقل، قدرت و مأموریت‌های خاص الهی می‌داند که در بندگی و اطاعت محض از خداوند هستند و هیچ استقلالی در اراده و عمل ندارند.

- مؤلف بر **تجرد ملائکه** تأکید دارد، ولی به صراحت اذعان می‌کند که اثبات تجرد مطلق آنان از زمان و مکان آسان نیست.
- فرشتگان از دید وی نه جسم مادی‌اند، نه قابل شناخت حسی، بلکه باید از راه وحی و نصوص دینی شناخته شوند.
- وی تأکید دارد که باور به ملائکه فرع بر ایمان به وحی است، و هرگونه تشبیه ملائکه به خدایان را کفر و شرک می‌داند.
- از نگاه او، ملائکه نیروهای کارگزار الهی‌اند که در عالم آفرینش نقش اجرای اراده خداوند را دارند و به نوعی می‌توان آنها را نمود علم و اراده الهی در طبیعت دانست.

۴- حقیقه‌ الملائکه ابن تیمیه

حقیقه‌ الملائکه، ابن تیمیه، دارالکتب العلمیه، تاریخ انتشار: ۱۴ قرن هجری، زبان: عربی

ابن تیمیه در این اثر، با تکیه بر نصوص قرآن و حدیث، تلاش دارد تصویری نسبتاً ساده و حدیث‌محور از فرشتگان ارائه دهد. وی تأکید می‌کند که ملائکه:

- موجوداتی روحانی و غیر جسمانی‌اند،
- دارای ویژگی‌هایی معنوی‌اند،
- اما در عین حال توانایی تمثل به صورت انسانی ندارند.

این موضع او از یک سو بر تجرد و روحانیت فرشتگان تأکید دارد، اما از سوی دیگر با آنچه از آیات قرآن (مانند تمثل جبرئیل برای حضرت مریم) یا گزارشات معتبر روایی (مانند دیدار پیامبر با جبرئیل در قالب دحیه کلبی) استفاده می‌شود، نوعی تضاد و محدودسازی درک ملائکه را نشان می‌دهد. دیدگاه ابن تیمیه از لحاظ روش‌شناسی، بر ظاهر نصوص و رد مبانی فلسفی و عرفانی استوار است و با دیدگاه‌های عقل‌گرا یا عرفانی (مانند دیدگاه امام خمینی یا ملاصدرا) که مراتب وجودی و تجلیات مثالی برای فرشتگان قائل‌اند، تفاوتی بنیادین دارد.

به طور خلاصه، نگاه ابن تیمیه به ملائکه ظاهرگرا، نقلی و در چارچوب نصوص سنتی اهل حدیث است که هم بر تجرد تأکید دارد و هم در تمثل و تجلی، رویکردی محدود اتخاذ می‌کند.

۵- الملائکه حقیقتهم و جودهم و صفاتهم

الملائکه حقیقتهم و جودهم و صفاتهم، احمد حسن الشیخ، جروس برس، لبنان، طرابلس

احمد حسن الشیخ در این اثر، با رویکردی سستی و مبتنی بر متون دینی، به تبیین ابعاد گوناگون وجود ملائکه پرداخته است. از دیدگاه وی، ایمان به ملائکه نه تنها رکن اعتقادی دین اسلام بلکه معیار مرزبندی ایمان و کفر شمرده می‌شود. او با تکیه بر آیات صریح قرآن، ملائکه را موجوداتی غیبی، نورانی، لطیف، و غیر مادی معرفی می‌کند که توانایی تشکیل به اشکال جسمانی را دارند، اما ذات آن‌ها روحانی و مجرد است.

در نگاه نویسنده، ملائکه همواره مطیع، معصوم و عبادت‌پیشه‌اند و برخلاف انسان‌ها، هیچ‌گونه جنسیت، میل نفسانی، نیاز طبیعی یا امکان عصیان ندارند. او بر اساس شواهد قرآنی، به بیان صفات اختصاصی ملائکه از جمله توانایی تجسم، پرهیز از خوردن و آشامیدن، عدم زاد و ولد، کثرت عددی، و مراتب و وظایف مختلف آنان پرداخته است.

در میان وظایف آنان، به مسئولیت‌های گوناگونی چون: حمل عرش، مراقبت از انسان، ثبت اعمال، قبض ارواح، نگهبانی بهشت و جهنم، و یاری رساندن در نبردهای الهی اشاره شده است. به‌ویژه، جایگاه جبرئیل، میکائیل، عزرائیل و اسرافیل به عنوان فرشتگان برجسته، مورد توجه ویژه قرار دارد.

یکی از نکات مهم در تحلیل احمد حسن الشیخ، رد دیدگاه‌های مادی‌گرایانه است که وجود ملائکه را به سبب ماهیت غیر مادی‌شان انکار می‌کنند. وی بر این باور است که ایمان به ملائکه، افزون بر جنبه‌ی معرفتی، آثار تربیتی و اخلاقی نیز دارد و باور به حضور آنان موجب تقویت تقوا و پرهیز از گناه در انسان می‌گردد.

در مجموع، این اثر با استناد به قرآن و آموزه‌های سنت اسلامی، ملائکه را موجوداتی مطلقاً الهی، فرمان‌بردار، و مجرد معرفی می‌کند که در نظام هستی، نقش اجرایی، حمایتی و تربیتی مهمی بر عهده دارند و ایمان به آن‌ها بخشی اساسی از منظومه ایمان اسلامی است.

۶- سیری در اسرار فرشتگان با رویکردی قرآنی و عرفانی

سیری در اسرار فرشتگان با رویکردی قرآنی و عرفانی، محمد زمان رستمی و طاهره آل بویه، قم، بوستان کتاب،

۱۳۹۳

مولفان: فرشتگان وجودات کمالی غیرمادی هستند که در سلسله‌مراتب علی و معلولی قرار گرفته‌اند و واسطه‌های فیض الهی به جهان می‌باشند. کمالات آن‌ها ذاتی و یکباره است. نکات برجسته دیدگاه مولفان:

- فرشتگان به عنوان وجودات کمالی آفریده شده‌اند که از ابتدا دارای کمالات معینی هستند.
- وظیفه اصلی آن‌ها انتقال کمالات الهی به جهانیان است.
- تمام کمالات موجود در آفرینش، تجلی کمالات فرشتگان است که به دیگر موجودات اعطا می‌شود.
- انسان می‌تواند از طریق عبادت، مجاهده با نفس، صبر و سیر و سلوک، استعداد خود را شکوفا کند و از کمالات فرشتگان بهره‌مند شود.

- فرشتگان دارای مراتب متفاوت هستند و کمالات آن‌ها یکسان نیست.
- نظام آفرینش بر اساس سلسله مراتب علی و معلولی استوار است:
 - خداوند ابتدا فرشته‌ای با بالاترین کمال (عقل اول / قلم اعلی) را آفرید.
 - سپس هر فرشته، مبدأ آفرینش فرشته پایین‌تر از خود شد تا تمام ملائکه پدید آمدند.
 - فرشتگان پایین‌تر، کمالات خود را از فرشتگان بالاتر دریافت می‌کنند و کاملاً مطیع اوامر آن‌ها هستند.
- آیات قرآن مانند «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (هر فرشته جایگاه مشخصی دارد) و «أُولَىٰ أَجْنَحَهُ مَثْنَىٰ وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ» (تفاوت درجات با تعداد بال‌ها) بر مراتب مختلف فرشتگان دلالت دارند.

۳. فرشتگان به عنوان وجودات غیرمادی

- فرشتگان از ماده جسمانی منزّه هستند و در معرض زوال و فساد قرار ندارند.
- برخلاف موجودات مادی که کمالشان تدریجی است، کمال فرشتگان یکباره و بدون مانع به آن‌ها اعطا شده است.
- آیاتی مانند «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ» (فرشتگان بندگان گرامی شده‌اند) نشان می‌دهد که کمال آن‌ها اکتسابی نیست، بلکه موهبتی الهی است.

۴. مقام معلوم فرشتگان

- مقام معلوم به معنای وظیفه معین و جایگاه ثابت هر فرشته است.
- برخی معتقدند این مقام ثابت و غیرقابل ارتقا است (به دلیل آیاتی که بر کرامت ذاتی فرشتگان تأکید دارند).
- شهید مطهری تفسیر می‌کند که هر موجودی جایگاه خاص خود را دارد و خارج شدن از آن جایگاه، مساوی با نابودی ذات آن است.

در نتیجه: فرشتگان وجودات کمالی غیرمادی هستند که در سلسله‌مراتب علی و معلولی قرار گرفته‌اند و واسطه‌های فیض الهی به جهان می‌باشند. کمالات آن‌ها ذاتی و یکباره است و هر یک دارای مقام و وظیفه‌ای مشخص هستند. انسان می‌تواند با تهذیب نفس، از کمالات آن‌ها بهره‌مند شود.

۷- الروح و الريحان و ملائکه الرحمن

الروح و الريحان و ملائکه الرحمن، زیدان العقبابوری، ریاض، دارالقلم و الکتاب، ۱۹۹۱

از دیدگاه مولف، ملائکه مخلوقات نورانی، پاک و مطیع هستند که واسطه‌های فیض الهی به جهان می‌باشند. و نکات برجسته دیدگاه ایشان:

۱. منشأ آفرینش ملائکه

- ملائکه از نور آفریده شده‌اند (بر اساس حدیث پیامبر اکرم ﷺ).

۲. ویژگی‌های ملائکه

- اجسام نورانی لطیف هستند و توانایی تشکّل به شکل‌های زیبا (مانند انسان) را دارند.
- جنسیت ندارند (نه مردند و نه زن)، نمی‌خورند، نمی‌نوشند و نمی‌خوابند.
- همواره در حال تسبیح خداوند هستند و هرگز نافرمانی نمی‌کنند.
- محدود به مکان و زمان نیستند و می‌توانند با سرعت بسیار به مأموریت‌های الهی عمل کنند.

۳. ایمان به ملائکه

- اعتقاد به وجود ملائکه یکی از ارکان ایمان (بر اساس قرآن: ایمان به خدا، ملائکه، کتاب‌ها و پیامبران) است.
- انکار وجود ملائکه برابر با کفر است، زیرا وجود آن‌ها با قرآن، سنت و اجماع ثابت شده است.

۴. وظایف و مراتب ملائکه

- هر فرشته وظیفه و مقام مشخصی دارد و از سلسله‌مراتب دقیقی پیروی می‌کند.
- برخی از وظایف آنان:
 - نزول وحی (مانند جبرئیل)
 - حفظ انسان‌ها (ملائکه‌ی نگهبان).
 - تنفیذ فرمان‌های الهی (مانند عذاب قوم لوط)
 - ثبت اعمال (کرامان و کاتبین)
- تعداد بال‌های آنان (دو، سه یا چهار بال) نشان‌دهنده مرتبه و قدرت متفاوت آن‌هاست.

۵. مکان زندگی ملائکه

- ساکن آسمان‌ها هستند و در هر آسمان، گروهی از آنان مسئول امور خاصی‌اند.
- نزول آنان به زمین تنها برای اجرای فرمان‌های الهی است (مانند نزول بر پیامبران).
- در روایات آمده که هر روز هزاران فرشته به بیت‌المعمور (در آسمان هفتم) وارد می‌شوند و عبادت می‌کنند.

۶. قدرت و توانایی‌های ملائکه

- سرعت فوق‌العاده در اجرای اوامر الهی.
- توانایی تغییر شکل به صورت انسان (مانند داستان حضرت ابراهیم و لوط).
- اطاعت مطلق از خداوند و عدم توانایی سرپیچی از فرمان‌های او.

۷. خلقت ملائکه قبل از انسان

- خلقت آنان پیش از انسان بوده است (چنان‌که در ماجرای سجده‌ی فرشتگان بر آدم ﷺ اشاره شده).
- برخی از ملائکه حتی پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین وجود داشته‌اند (مانند حاملان عرش).

ملائکه مخلوقاتی نورانی، پاک و مطیع هستند که واسطه‌های فیض الهی به جهان می‌باشند. آنان دارای مراتب و وظایف گوناگون‌اند و در آسمان‌ها سکونت دارند. ایمان به آنان جزو اصول دین است و شناختشان باعث تقرب به خداوند می‌شود.

۸- المخلوقات الخفیه فی القرآن

المخلوقات الخفیه فی القرآن الملائکه، الجن و ابلیس، طباطبائی، محمد حسین، دار الصفوه، بیروت، ۱۴۱۵

مؤلف معتقد است که ملائکه موجودات روحانی و معصومی هستند که نقش واسطه و عامل اجرای اراده خدا را در جهان دارند. نکات برجسته دیدگاه مؤلف:

۱. تعریف و ماهیت ملائکه

- ملائکه موجوداتی مکرّم و پاک هستند که واسطه بین خدا و عالم محسوس‌اند.
- هر رویدادی در جهان به آنها مرتبط است و هر ملائکه مأمور انجام فرمان الهی است، بدون هیچ اراده مستقل یا مخالفت با خدا.
- ملائکه بر مراتب مختلف‌اند، برخی فرمانده و برخی مأمور، اما همگی مطیع و بدون استقلال عمل‌اند.
- آنها موجوداتی معنوی‌اند و از ماده جسمانی که دچار فساد و تغییر است، منزّه‌اند.

۲. شکل و ظاهر ملائکه

- صورت‌های جسمانی ذکر شده در روایات، ظاهر و تمثیل برای قابل درک شدن توسط انسان‌هاست، نه شکل حقیقی آنها.
- تمثیل به معنی ظاهر شدن به شکل انسانی است، اما این به معنای تبدیل ملائکه به انسان نیست.
- برخی باورهای رایج درباره شکل جسمانی ملائکه بدون دلیل عقلی یا نقلی معتبر است و نباید به اجماع مسلمانان در این باره اعتماد کرد.

۳. وظایف و مأموریت‌های ملائکه

- ملائکه پیام‌آوران خدا و واسطه در اتفاقات جهانند، از آغاز تا پایان عالم، از ابتدای حیات تا لحظه مرگ و مراحل پس از آن.
- آنها در امور تشریع (وحی، حمایت از پیامبران) و تدبیر عالم (قبض روح، قیامت، حسابرسی) نقش دارند.
- واسطه بودن آنها به معنی این نیست که خداوند به آنها استقلال داده، بلکه آنها فقط اجرای فرمان الهی هستند.
- ملائکه می‌توانند بر یکدیگر فرمان دهند، اما همه تحت اراده خدا هستند.

۴. صفات و ویژگی‌های ملائکه

- معصوم و کاملاً مطیع خداوند هستند، هرگز معصیت نمی‌کنند.
- نمی‌خوانند، دچار خستگی یا فراموشی نمی‌شوند.
- از نور آفریده شده‌اند.
- هیچ‌گونه نیاز مادی مانند خوردن، نوشیدن یا ازدواج ندارند و زندگی آنها بر پایه نسیم عرش است.
- تعدادشان بسیار زیاد است و در قرآن و روایات به آنان اشاره شده است.
- دارای سمع، بصر، عقل و فهم بسیار بالایی هستند.
- به خدا نزدیک و مقربند و دائماً به عبادت و تسبیح مشغول‌اند.

۵. رابطه ملائکه با خدا و بندگان

- ملائکه نزدیک‌ترین مخلوقات به خداوند و از بهترین بندگان او هستند.
- اگر آنچه از خداوند پنهان است را مشاهده می‌کردند، نسبت به اعمال خود خجل و اندوهگین می‌شدند.
- معصوم بودن و کامل بودن آنها به دلیل تقویت و حمایت خداوند است، در غیر این صورت توان مقاومت در برابر وسوسه‌ها را نداشتند.

ملائکه موجودات روحانی و معصومی هستند که نقش واسطه و عامل اجرای اراده خدا را در جهان دارند. آنها موجوداتی کاملاً پاک، بی‌نیاز از امور جسمانی، و مطیع محض خداوندند که هیچ اراده مستقل و اختیاری جز فرمان خدا ندارند. ظاهر جسمانی آنها صرفاً تمثلی است برای فهم بهتر انسان‌ها و نباید به عنوان حقیقت ذات آنها تلقی شود. همچنین، ملائکه صرفاً وسیله و واسطه‌اند و هرگز به معنی مستقل بودن در انجام امور نیستند. این نگاه کاملاً توحیدی است و استقلال یا هرگونه توانایی خارج از اراده الهی را برای آنها نفی می‌کند.

در نتیجه، از دیدگاه مولف، ملائکه ماهیتی کاملاً معنوی و عاری از مادیات دارند، معصوم و مطیع خداوند، و نقشی بسیار مهم در تدبیر امور جهان دارند اما هیچگاه موجوداتی خودمختار و مستقل نیستند.

۹- الملائکه و بقاء الروح و الحیاء الاخره

الملائکه و بقاء الروح و الحیاء الاخره، سعید النورسی، ترجمه احسان قاسم الصالحی، مطبعه الزهراء الحدیثه، موصل، ۱۴۰۴
مولف سه اساس کلی در حقیقت ملائکه در نظر گرفته است و بر طبق آن سه اساس نظرات و دیدگاه خود را چنین بیان نموده است:

الأساس الأول: «الحیاء نور الوجود»

در این بخش، نویسنده تلاش می‌کند تا از منظر فلسفه حیات، جهان را به مثابه موجودی زنده و آکنده از شعور معرفی کند. پیام اصلی:

- زندگی و شعور، حقیقت اصلی هستی‌اند؛ ماده صرفاً ظرف بروز آن‌هاست.
- همان‌گونه که زنبور به واسطه شعور خود به کل محیط مرتبط است، موجودات برتر نظیر ملائکه نیز با شعور خالص و نورانی خود پیونددهنده جهان مادی و ملکوتی‌اند.
- هرچه ماده لطیف‌تر و کوچک‌تر باشد، به روح و شعور نزدیک‌تر است، بنابراین وجود فرشتگان در سطوح بالای هستی کاملاً معقول است.
- ملائکه در این نظام، تجلی کامل حیات و شعور محض‌اند؛ آن‌ها نه تنها موجوداتی زنده‌اند بلکه صورت کامل «نور وجود»‌اند.

نکته کلیدی: در این پایه، حیات و شعور نه تنها از ویژگی‌های ملائکه، بلکه اساس توحید و نظام هستی معرفی شده‌اند.

الأساس الثانی: الاجماع الضمنی علی وجود الملائکه

در این اساس، نویسندگان با روشی کلامی و عقل‌گرایانه به موضوع می‌پردازد:

- توافق ناآگاهانه اغلب انسان‌ها — اعم از فلاسفه، اهل دین و حتی مادی‌گرایان — بر وجود ملائکه یا مفاهیمی شبیه به آن، نشان‌دهنده حقیقی بودن این باور است.
- همه ادیان و مکاتب بزرگ، هرچند با زبان متفاوت، وجود موجودات غیرمادی ناظر و مؤثر در طبیعت را پذیرفته‌اند.
- حتی مادی‌گرایان با فرض «قوای ساریه» در طبیعت، نوعی ملائکه‌باوری ناخودآگاه دارند.

نکته کلیدی: این اجماع ضمنی، به مثابه حجت عقلی و عرفی، جایگاه وجودی ملائکه را در نظام عالم تثبیت می‌کند.

الأساس الثالث: اثبات وجود ملائکه با قاعده منطق (تحقق کل بشبوت جزء)

در این پایه، نویسندگان از روش برهان فلسفی و تواتری بهره می‌برد:

- اثبات وجود حتی یک ملک، کافی است برای اثبات نوع ملائکه.
- تواتر گزارشات پیامبران، اولیا، و شواهد حسی و شهودی تاریخی، یقین‌آور و قابل اعتمادند.
- شریعت اسلام، خاصه قرآن کریم و معراج پیامبر اکرم (ص)، بر وجود عینی و فعلی ملائکه گواهی داده‌اند.

نکته کلیدی: تواتر معنوی، تجربه حسی و شهود پیامبران در کنار نصوص قرآنی، وجود ملائکه را حقیقتی غیرقابل انکار و مسلم می‌سازند.

وظایف ملائکه در نگاه مؤلف

در بخش پایانی، نویسندگان با نگاهی عرفانی و هستی‌شناسانه به وظایف ملائکه می‌پردازد:

- هر موجودی در عالم، دارای بُعد عبادی و نماینده‌ای ملکوتی (ملک) است که عبادت آن را به عالم بالا منتقل می‌کند.
- ملائکه، با شعوری کامل و خلوص محض، فقط برای قرب الهی و لذت عبادت، بی‌هیچ چشم‌داشت شخصی کار می‌کنند.
- آن‌ها همانند کارمندان یک دولت، بسته به حوزه خلقت، وظایف متنوع دارند: مثلاً میکائیل (ع) موکل عالم گیاهان است، و برای حیوانات و عناصر طبیعی نیز فرشتگانی موکل‌اند.
- گزارش‌های روایی از فرشتگان با دهان‌ها و زبان‌های بی‌شمار، ناظر به گستره عبادت و کارکردهای متکثر آن‌هاست، نه شکل ظاهری.

نکته کلیدی: نویسنده با طرح وحدت نظام هستی و وحدت عبادت، ملائکه را عامل عبادت کل آفرینش در مرتبه ملکوت معرفی می‌کند؛ آن‌ها مجریان تکوینی اراده خداوند و حامل معنای پنهان در مخلوقات‌اند.

جمع‌بندی اندیشه مؤلف درباره حقیقت و ماهیت ملائکه

۱. ملائکه جوهر حیات و شعور ناب‌اند؛ آن‌ها تجلی «نور وجود» و «حیات مطلقه» در عالم‌اند.^۱
۲. آن‌ها واسطه‌های معنوی میان خالق و مخلوق‌اند که در نظام تکوین، همچون عوامل زنده و باشعور، طبیعت را تدبیر می‌کنند.
۳. وجودشان ثابت و اجماعی است؛ هم نصوص دینی، هم مشاهدات شهودی و هم عقل عرفی و فلسفی بر آن گواهی می‌دهند.
۴. وظایف آن‌ها عبادی، آگاهانه و صرفاً برای قرب الهی است؛ برخلاف انسان که منفعت‌طلب است یا موجودات دیگر که بی‌ادراک‌اند.

^۱ چکیده‌ای عمیق از نگاه عرفانی - فلسفی به حقیقت ملائکه است. برای توضیح این جمله، باید چند کلیدواژه را بیان شود:

۱. جوهر حیات و شعور ناب

مراد از این تعبیر آن است که: ملائکه خود «حیات ناب» هستند؛ یعنی ذات آن‌ها از جنس زندگی و آگاهی است، نه ترکیبی از ماده و انرژی مانند انسان و سایر موجودات مادی. آن‌ها در اوج شعور و ادراک قرار دارند، اما این شعور، نه از سنخ شعور تجربی یا حسی بشر، بلکه شعوری قدسی، نوری و بی‌واسطه است.

۲. تجلی «نور وجود»

این اصطلاح از مبانی حکمت صدرایی و عرفان اسلامی گرفته شده است. در این نگرش: وجود اصل و حقیقت همه موجودات است و «نور» نماد این حقیقت است. ملائکه، چون از ماده منزّه‌اند و کاملاً وابسته به امر الهی هستند، مراتب خالص‌تری از وجودند و در نتیجه تجلی کامل‌تری از نور وجود به شمار می‌آیند. یعنی وجودشان نه تنها پوشیده از ظلمت ماده نیست بلکه خود آینه‌ای از نور هستی‌اند که بدون حجاب ظاهر شده‌اند.

۳. حیات مطلقه

منظور از «حیات مطلقه» زندگی‌ای است که نه محدود به جسم است، نه پایان‌پذیر، نه وابسته به شرایط مادی. ملائکه، حیات مطلق را در خود دارند چون نه می‌میرند، نه بیمار می‌شوند، نه غفلت می‌ورزند؛ همیشه آگاه، فعال، خاضع و در حال عبودیت‌اند. ← بنابراین، «حقیقت ملائکه» در این جمله به این معناست که: آن‌ها نه فقط موجوداتی دارای حیات، بلکه خود حیات و شعور ناب‌اند. آن‌ها نزدیک‌ترین موجودات به خدای حیّ و قیّوم‌اند؛ چون از همه حجاب‌های مادی و محدودیت‌های جسمانی پاک‌اند. نقش آن‌ها در عالم، تجلی‌گری و رساندن نور و شعور الهی به دیگر مراتب وجود است، همچون «نقش عقل در بدن»، یا «نقش فرمان در کارگزاران».

۵. ملائکه مظهر عبادت نظام آفرینش‌اند؛ مخلوقات، مسجد آن‌ها هستند و آنان تسبیح موجودات را به ملکوت عرضه می‌کنند.

در نهایت نویسنده با تلفیق سه نگاه فلسفی (نور وجود)، کلامی (اجماع و شهود)، و عرفانی (قرب و عبادت) به دنبال اثبات این حقیقت است که: ملائکه جوهری زنده، شعورمند، نادیدنی اما واقعی‌اند که در نظام هستی همچون روح در کالبدند؛ عامل عبادت، واسطه رحمت و مجریان اراده الهی‌اند؛ و شناخت آن‌ها بدون طهارت قلب و ورود به معارف قرآن ممکن نیست. او زندگی را اصل و حقیقت وجود معرفی می‌کند و ماده را وسیله‌ای گذرا و ثانوی برای تجلی حیات می‌داند. ملائکه را حاملان و مجریان اراده الهی می‌داند که جهان را بر اساس قوانین تکوینی و طبیعی اداره می‌کنند و حضور و فعالیتشان ضروری و قطعی است. همچنین مؤلف وجود ملائکه و سایر موجودات روحانی را امری بدیهی و مورد اجماع ضمنی عقل و نقل می‌داند و انکار آن را نوعی جهل و خرافه می‌پندارد. به نظر او، عالم مادی تنها بخش کوچکی از واقعیت است و جهان‌های روحانی با زندگی و شعورهای مخصوص خود وجود دارند که ملائکه بخشی از آن‌ها هستند.

۱۰- عالم الملائکه الابرار

عالم الملائکه الابرار، دکتر عمر سلیمان الاشقر، مکتبه الفلاح، الكويت، الثالثه، ۱۴۰۳

۱. صفات خلقی و جسمانی ملائکه:

- **ماده خلقت:**
طبق حدیث صحیح از پیامبر (ص)، ملائکه از نور خلق شده‌اند. نوع نور مشخص نیست و نمی‌توان درباره‌اش بیشتر اظهارنظر کرد چون در حیطه غیب است.
- **زمان خلقت:**
زمان دقیق خلقت ملائکه مشخص نیست ولی قبل از آدم (ع) بوده‌اند، چون خداوند پیش از خلقت آدم به ملائکه اطلاع داد که خلیفه‌ای در زمین قرار خواهد داد.
- **عظمت جسمانی:**
خلقت ملائکه بزرگ و شگفت‌انگیز است؛
 - جبرئیل دارای ۶۰۰ بال است که سراسر افق را پوشانده.
 - حاملان عرش فاصله شحمه گوش تا شانه‌شان برابر با ۷۰۰ سال پرواز پرندگان است.
 - بعضی از آنها چنان عظمت دارند که پایشان در زمین و سرشان به عرش می‌رسد.
- **داشتن بال:**
قرآن تصریح دارد که برخی دو بال، برخی سه و برخی چهار دارند، و خداوند بر اساس مشیت خود می‌افزاید.
- **زیبایی ظاهری:**
ملائکه صورتی زیبا دارند. جبرئیل (ع) به عنوان نمونه «ذو مره» یعنی صاحب چهره زیبا و قوت معرفی شده. در آیه‌ای از سوره یوسف، زنان مصر یوسف را مانند «ملک کریم» (فرشته‌ای بزرگوار) توصیف کردند.

- شبه به انسان:
- گاهی در هیئت انسان ظاهر می‌شوند، مثل تشبیه جبرئیل به دحیه کلبی (صحابی زیبارو).
- تنوع در خلقت و جایگاه:
- ملائکه در ساختار بدنی و جایگاه نزد خدا تفاوت دارند. برخی دو بال دارند و برخی بسیار بیشتر. جبرئیل مقامی والا دارد.
- عدم توصیف با جنسیت:
- آنها نه مذکر و نه مؤنث‌اند و انتساب جنسیت به آنها خطا است.
- عدم نیاز به غذا و نوشیدنی:
- مانند ما نمی‌خورند و نمی‌آشامند؛ داستان ضیافت حضرت ابراهیم گواه این مطلب است.
- عدم خستگی و ملال:
- دائماً در حال عبادت و تسبیح خداوند هستند و از آن خسته نمی‌شوند.
- جایگاه اقامت:
- جایگاه اصلی آنان آسمان‌ها است و نزد خداوند قرار دارند.

۲. قدرت‌های ملائکه:

- قدرت تشکل و تجسم:
 - ملائکه می‌توانند به صورت انسان یا اشکال دیگر درآیند؛ مانند:
 - جبرئیل که به صورت انسان نزد مریم آمد.
 - ملائکه‌ای که نزد حضرت ابراهیم و لوط در ظاهر انسان بودند.
 - سرعت فوق بشری:
 - سرعت آنها فوق تصور انسان است؛ گاهی جبرئیل قبل از پایان سوال صحابه، پاسخ را از خدا می‌آورد. سرعت‌شان از نور هم فراتر است.
 - علم ملائکه:
 - علم آنان مستقیماً از خداست. ولی خدا به آدم (ع) قدرت شناخت و یادگیری داد که ملائکه فاقد آن بودند. با این حال، دانشی که خداوند به ملائکه عطا کرده از علم بشر گسترده‌تر است.
- دکتر عمر سلیمان الأشقر در این فصل، رویکردی نقلی، مستند و محافظه‌کارانه دارد. وی سعی دارد تنها به نصوص معتبر قرآنی و احادیث صحیح اکتفا کند و از ورود به مباحث فلسفی، تمثیلی اجتناب نماید. از جمله:
- سخنان مفسرینی مانند ولی‌الله دهلوی و عکرمه را که به تفصیل درباره انواع ملائکه یا منشأ نورانی خاص آنها بحث کرده‌اند، بدون دلیل معتبر نمی‌پذیرد و مردود یا غیر قابل اعتماد می‌داند.
 - ماهیت ملائکه را غیبی و فراتر از درک انسان می‌داند و تصریح می‌کند که درباره جوهر نورانی آنها و کیفیت خلقتشان فقط باید به نصوص بسنده کرد.

- در تحلیل او، ملائکه موجوداتی‌اند:
 - نورانی، زیبا، عظیم‌الجثه، قدرتمند و بی‌گناه
 - بدون جنسیت و نیازهای مادی
 - با قابلیت تبدیل شکل و حرکت آنی
 - دارای مراتب مختلف و مأموریت‌های گوناگون

بنابراین، دیدگاه مؤلف مبتنی بر نفی تشبیه و تنزیه ملائکه از صفات مادی و بشری است. او تأکید دارد که شناخت حقیقت ملائکه به دلیل غیبی بودن آن‌ها، محدود به متون وحیانی است و باید از حد آن فراتر نرفت.

۱۱- الملائکه الابرار للاطفال

الملائکه الابرار للاطفال، مجدی فتحی السید، دار الصحابه للتراث، الاولى، ۱۴۱۲

نویسنده با زبانی ساده و کودکانه به معرفی ایمان به فرشتگان به عنوان دومین رکن از ارکان ایمان پرداخته است. او کوشیده است تا با نگاهی آموزشی و تربیتی، مفاهیم اعتقادی اسلامی را برای کودکان توضیح دهد.

نویسنده پس از بیان شش رکن ایمان اسلامی، تمرکز خود را بر رکن دوم یعنی ایمان به فرشتگان می‌گذارد. او می‌گوید:

- فرشتگان مخلوقاتی از نور هستند که برای عبادت خدا آفریده شده‌اند.
- تعدادشان بسیار زیاد است و فقط خداوند از شمار دقیق آنان آگاه است.
- انسان‌ها نمی‌توانند آن‌ها را ببینند، ولی فرشتگان انسان را می‌بینند.

صفات فرشتگان:

- از نور آفریده شده‌اند.
- خستگی، خوردن، نوشیدن و خوابیدن ندارند.
- ازدواج نمی‌کنند.
- هیچ‌گاه از فرمان خدا سرپیچی نمی‌کنند.
- دارای بال‌هایی هستند (دو، سه یا چهار بال).
- همیشه در حال تسبیح و ذکر خدا هستند.
- در آسمان و زمین حضور دارند.
- همه آن‌ها مؤمن‌اند و تکبر نمی‌ورزند.
- می‌توانند به اشکال گوناگون درآیند.

دیدگاه مؤلف تحت تأثیر آموزه‌های سنتی اسلام و مخصوصاً تفسیری ساده‌سازی شده برای آموزش کودکان است. عناصر اصلی دیدگاه او درباره حقیقت و ماهیت فرشتگان را می‌توان در این نکات خلاصه کرد:

نویسنده، ماهیت فرشتگان را غیبی، نوری، روحانی و مطیع محض خدا معرفی می‌کند و سعی دارد با زبانی ساده، کودک را به جهان فرشتگان علاقه‌مند سازد. دیدگاه او به‌طور کامل با آموزه‌های دینی سنتی هماهنگ است و هیچ گرایش فلسفی، عرفانی یا عقل‌گرایانه در این متن دیده نمی‌شود. هدف صرفاً آموزش اعتقادی بنیادین برای کودکان است، نه بحث‌های نظری یا کلامی.

۱۲- بیوت لاتدخلها الملائكة

بیوت لاتدخلها الملائكة، عکاشه عبد المنان، دار الاسراء، الاولى، ۱۹۹۴

دیدگاه مؤلف کتاب «بیوت لاتدخلها الملائكة» (عکاشه عبد المنان) در خصوص حقیقت ملائکه، بر پایه‌ی نگاه سلفی-نقلی استوار است و به صورت اختصار می‌توان تحلیل آن را چنین ارائه کرد:

۱. تعریف ماهوی ملائکه:

مؤلف بر اساس نصوص دینی، ملائکه را موجوداتی غیبی، مجرد از ماده، و مخلوقات مطیع و مجری امر خداوند معرفی می‌کند که هیچ اختیاری از خود ندارند و تنها به فرمان الهی عمل می‌کنند: «لیس لهم من الأمر شیء، بل الأمر كله لله... لا یسبقونه بالقول وهم بأمره یعملون». در این نگاه، فرشتگان عقلانی ولی غیر مختارند، مانند ابزارهایی زنده که تمام حرکاتشان به اذن الهی صورت می‌گیرد.

۲. تقسیم وظایف و طبقه‌بندی:

در یک ساختار منظم، فرشتگان به اصناف متعدد با وظایف مشخص تقسیم شده‌اند:

- جبرئیل (ع) مسئول وحی،
- میکائیل (ع) مسئول رزق و قطر،
- اسرافیل (ع) مسئول نفخ صور،
- ملک الموت، ملائکه عذاب، بهشت، جهنم، آسمان‌ها، حفظ انسان و... این تنوع وظایف، نگاه مؤلف را به یک نظام منظومه‌ای و تدبیری فرشتگان در عالم خلقت نشان می‌دهد.

۳. جایگاه فرشتگان در تدبیر عالم:

فرشتگان از نظر او عامل اجرایی تدبیر الهی در همه‌ی عالم هستند؛ اما این تدبیر نه استقلالی، بلکه تدبیر تفویضی و مأذون به اذن خداوند است. نویسنده با بهره‌گیری از آیات مانند: «فالمدبرات أمرا»، «فالمقسمات أمرا»، بیان می‌کند که فرشتگان واسطه‌ی تدبیر در جهان‌اند اما اصل تدبیر به خدا بازمی‌گردد: «فهو المدبر أمرا وإذنا ومشيئة، والملائكة المدبرات مباشرة وامتنالا».

۴. ارتباط با انسان:

نویسنده نقش فرشتگان را در تمام مراحل وجود انسان از نطفه تا مرگ، قبر، قیامت و بهشت و دوزخ، به صورت پیوسته و گسترده معرفی می‌کند: فرشتگان خلق جنین، ثبت رزق و اجل، حفظ انسان، ثبت اعمال، قبض روح، سؤال قبر، عذاب قبر، و ... این گستره نشان‌دهنده‌ی نگاه جزئی‌نگر و فرآیندی به رابطه ملائکه با انسان است.

۵. رد دیدگاه‌های غیر شرعی:

نویسنده با استناد به ابن‌قیم و سایر سلفیان، دیدگاه منکران ملائکه را که نیروهای طبیعی (مانند ستارگان یا قوانین طبیعی) می‌دانند، با صراحت رد می‌کند: «وأما المكذبون للرسول، المنكرون للصانع فيقولون: هي النجوم».

در واقع وی بر واقع‌مندی و شخص‌مندی ملائکه تأکید دارد، برخلاف رویکردهای سمبولیک یا تأویلی.

۶. ویژگی‌های وجودی ملائکه:

مؤلف با تأکید بر آیات: «لا يعصون الله ما أمرهم»، «يفعلون ما يؤمرون»، «يسبحون الليل والنهار لا يفترون»، ویژگی‌های کلیدی ملائکه را عبودیت محض، اطاعت کامل، خوف دائمی و پیوستگی در عبادت می‌داند.

دیدگاه عکاشه عبد المنان درباره ملائکه، یک دیدگاه تفسیری-نقلی سلفی مسلک است که مبتنی بر:

- تجسم مفهومی ملائکه به عنوان موجوداتی واقعی، مجرد، اطاعت‌پذیر و مأمور،
- نظام‌مندی در تقسیم وظایف آن‌ها،
- تبعیت محض از فرمان الهی،
- و رد هر گونه تأویل عرفانی یا طبیعی‌گرایانه از ملائکه است.

این نگاه در چارچوب باورهای اهل سنت سلف‌گرا و به ویژه نگاه ابن‌قیم و ابن‌تیمیه ریشه دارد و از هر گونه گرایش به تأویل‌های عرفانی یا فلسفی (همچون عقل فعال یا مراتب تجرد) فاصله می‌گیرد.

۱۳- حیات فرشتگان

حیات فرشتگان، نفیسه فیاض بخش، کاوس روحی برندق، تهران، فیض فرزانه، ۱۴۰۱

فرشتگان موجوداتی واقعی، مجرد و فعال در نظام آفرینش‌اند که نقش‌های متعددی در امور تشریعی، تکوینی و اخروی دارند. ایمان به آن‌ها بخشی از اصول اعتقادی اسلام است. نکات کلیدی در تحلیل مؤلفان:

۱. اهمیت ایمانی:

ایمان به ملائکه هم‌ردیف ایمان به خدا، پیامبران و قیامت دانسته شده و انکار آن موجب گمراهی است.

۲. نقش معرفتی:

شناخت ملائکه باعث وسعت دید انسان، تعمیق جهان بینی، و تقویت یقین به مراتب هستی و وجود خداوند می شود.

۳. نقش هستی شناختی:

شناخت فرشتگان کمک می کند نظم، هدایت و حرکت عالم را بهتر فهم کنیم، مخصوصاً در مواردی که علم تجربی ناتوان است.

۴. نقش معنوی و اجتماعی:

با ایمان به ملائکه، انسان پیوندی با نیروهای الهی برقرار می کند و در مسیر توحید احساس همراهی و حمایت می نماید.

مؤلفان با تکیه بر قرآن و روایات، فرشتگان را عناصر فعال در اداره ی عالم می دانند که ایمان و شناخت نسبت به آنها ضروری اعتقادی، بلکه موجب تعالی فکری و معنوی انسان است.

۱۴- التفضیل الملائکه و الناس

التفضیل الملائکه و الناس ، الشیخ الاسلام ابن تیمیه، تحقیق و دراسه مجدی فتحی السید، دار الصحابه للتراث، طنطا، الاولى، ۱۴۰۱

ابن تیمیه باور دارد که فرشتگان موجوداتی شریف و مطیع هستند، اما مقام آنها ثابت و ثوابشان پیوسته است؛ در حالی که بندگان صالح انسانی، به ویژه پیامبر اسلام (ص)، قابلیت رشد، تعالی و برتری بر فرشتگان را دارند. نکات کلیدی:

۱. غیب بودن حقایق:

بخشی از آنچه خدا برای اولیای خود آماده کرده، از ملائکه نیز پوشیده است. این نشان از محدودیت معرفتی ملائکه دارد.

۲. مقام انسان صالح:

اگر فردی از نوع انسان بتواند از همه افراد و انواع ملائکه برتر شود (مانند پیامبر اکرم)، نشان دهنده ی برتری نوع انسان صالح بر نوع ملائکه است.

۳. نمونه اوج انسانی:

ابن تیمیه به روایتی اشاره می کند که خدا پیامبر اسلام را بر عرش می نشاند، که بیانگر اوج کرامت انسانی و برتری او حتی بر ملائکه مقرب است.

ابن تیمیه ملائکه را موجوداتی شریف ولی محدود در کمال می داند و انسان های صالح، به ویژه پیامبر اسلام (ص)، را از نظر امکان کمال و مقام قرب، برتر از فرشتگان معرفی می کند.

۱۵- جبرئیل امین الوحی الالهی فی التوراه و الانجیل و القرآن

جبرئیل امین الوحی الالهی فی التوراه و الانجیل و القرآن، منصور عبد الحکیم، دار الکتاب العربی، سوریا، دمشق، الاولی، ۲۰۰۶

ملائکه موجوداتی نوری، مخلوق خداوند، از عالم غیب، مأمور، مکلف و دارای نقش‌هایی مشخص هستند که ایمان به آنها از اصول بنیادین عقیده اسلامی به‌شمار می‌رود. در نگاه مؤلف:

- ملائکه از نور آفریده شده‌اند؛
- آنها عباد مخلوق خدا مانند انس و جن هستند؛
- مأمور و مکلف‌اند، قدرت مستقل ندارند، فقط به إذن خدا عمل می‌کنند؛
- از غیبات هستند و ایمان به آنها رکن عقیده اسلامی است؛
- حقیقت آنها در قرآن، سنت، و حتی در تورات و انجیل نیز بازتاب یافته است؛
- جبرئیل (ع) به‌عنوان امین وحی جایگاه ویژه‌ای در میان ایشان دارد؛
- ایمان به ملائکه نشانه‌ای از صدق ایمان و ضد شک و تردید است.

این دیدگاه بر مبنای عقیده اهل سنت است و مؤلف آن را با روایات، قرآن و نظرات علمای اهل سنت مانند بیهقی پشتیبانی کرده است.

۱۶- ساکنان ملکوت

ساکنان ملکوت، دکتر نفیسه فیاض بخش، احیاء کتاب، تهران، اول، ۱۳۸۵

دیدگاه دکتر نفیسه فیاض بخش درباره‌ی حقیقت و ماهیت ملائکه، چنان‌که در کتاب ساکنان ملکوت آمده، را می‌توان به صورت خلاصه و تحلیلی در چند محور اصلی چنین بیان کرد:

۱. ملائکه؛ موجودات شریف، مکرم و ملکوتی

- مؤلف، ملائکه را موجوداتی غیبی، مکرم و شریف معرفی می‌کند که:
 - در تمام شئون عالم نقش واسطه‌گری دارند.
 - به اذن الهی در امور تکوینی و تشریعی فعالند.
 - وجودشان مستقل نیست، بلکه مجرای اراده و فعل خداوندند.
- این موجودات بدون اراده‌ی شخصی عمل نمی‌کنند بلکه به امر خدا عمل می‌کنند: «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ».

۲. نقد افکار ناصحیح و خرافی

- مؤلف نگاه‌های افراطی، خرافی، یا مادی‌گرایانه به ملائکه را به‌شدت رد می‌کند:
 - برخی آن‌ها را از پیامبران بالاتر می‌دانند.
 - برخی آن‌ها را از جنس جن می‌پندارند و خطاپذیر می‌دانند.
 - برخی تفاسیر ماتریالیستی دارند و ملائکه را نماد «نیروهای طبیعی» تلقی می‌کنند.
- در برابر این افراط و تفریط‌ها، مؤلف تلاش دارد رویکرد قرآنی و روایی اصیل را با تأکید بر منابعی مانند نهج‌البلاغه و بحارالانوار ارائه دهد.

۳. ماهیت وجودی ملائکه: غیرمادی و دارای مراتب

- مؤلف با استناد به آیات و سخنان امام علی (ع) می‌گوید:
 - ملائکه مادی و جسمانی نیستند، ولی قرآن آن‌ها را دارای «اجنحه» (بال) معرفی می‌کند.
 - تعبیر «بال» در مورد فرشتگان کنایه از قدرت و رتبه‌ی وجودی آن‌هاست، نه جسمانیت.
 - اختلاف در تعداد بال‌ها اشاره به تفاوت در مرتبه وجودی و قدرت تصرف آنان دارد.

۴. تمثّل و تجسّد فرشتگان

- مؤلف با بهره‌گیری از تحلیل‌های علامه طباطبایی، دیدگاه غالب را چنین می‌داند:
 - ملائکه در موارد خاص می‌توانند تمثّل پیدا کنند و به شکل انسانی ظاهر شوند (مثل داستان حضرت مریم، ابراهیم و لوط).
 - اما این ظهور به شکل انسانی، تحول ماهوی نیست، بلکه نوعی ظهور مثالی است.

۵. مقام ملائکه و اهمیت ایمان به آن‌ها

- ایمان به فرشتگان از ارکان اعتقادی اسلام است و قرآن بارها بر آن تأکید کرده است:
 - ایمان به ملائکه در کنار ایمان به خدا، پیامبران، کتاب‌ها و قیامت قرار گرفته.
 - دشمنی با فرشتگان برابر با دشمنی با خداوند تلقی شده است.
- دیدگاه دکتر فیاض‌بخش در مورد حقیقت ملائکه، دیدگاهی وحی‌محور، عقلانی، و متعادل است. او سعی می‌کند با پرهیز از افراط، تفریط و تفسیرهای غیرالهیاتی، تصویری منسجم، معنوی و کاربردی از ملائکه ارائه دهد. رویکرد او کاملاً منطبق بر قرآن، روایات معتبر، و تحلیل‌های محققان بزرگی چون علامه طباطبایی است.
- در نهایت، او معتقد است شناخت ملائکه نه تنها برای تکمیل ایمان بلکه برای تأثیر در اخلاق و تربیت روح انسان نیز حیاتی است.

۱۷- سیمای فرشتگان از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

سیمای فرشتگان از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، لایلا حاتمی، دکتر محمد بیستونی، قم، بیان جوان، دوم، ۱۳۸۵

مؤلف بر این باور است که قرآن کریم ماده خلقت فرشتگان را بیان نکرده و اطلاعات دقیق در این زمینه در دست نیست. با استناد به نهج البلاغه، اوصافی که برای ملائکه آمده را نباید مادی و جسمانی دانست، بلکه این توصیف‌ها نمایانگر عظمت معنوی و قدرت روحانی آنهاست. از نگاه نویسنده، ملائکه از ماده عنصری دنیوی خلق نشده‌اند، اما ممکن است از اجسام لطیف و غیر مادی (ولی نه لزوماً مجرد مطلق) آفریده شده باشند. او اثبات تجرد کامل ملائکه را دشوار می‌داند و بر شناخت آنها بر پایه قرآن و روایات و پذیرش مقام بندگی‌شان تأکید می‌کند، نه فراتر از آن.

ملائکه موجوداتی هستند غیرمادی به معنای دنیوی، دارای عظمت معنوی، نه لزوماً مجرد مطلق، و در مقام عبودیت محض خداوند، بدون هیچ‌گونه شراکت در ربوبیت یا خلق.

۱۸- عالم الملائکه فی الكتاب و السنه

عالم الملائکه فی الكتاب و السنه، محمد بیومی، المکتبه الایمان بالمنصوره، مصر، اولی، ۱۴۱۷

محمد بیومی درباره‌ی حقیقت ملائکه در کتاب «عالم الملائکه فی الكتاب و السنه» را می‌توان به اختصار این‌گونه تحلیل کرد:

۱. جایگاه ایمانی ملائکه:

بیومی در ابتدای متن، تأکید می‌کند که ایمان به فرشتگان یکی از ارکان اصلی ایمان اسلامی است و بدون آن، ایمان انسان کامل نمی‌شود. این دیدگاه برگرفته از قرآن و حدیث نبوی است (مانند آیه ۲۸۵ بقره و روایت از ابن عمر).

۲. ماهیت وجودی و وظایف ملائکه:

با نقل قول از بیهقی، ملائکه موجوداتی هستند:

- دارای وجود واقعی و نه صرفاً مفاهیم ذهنی؛
- مخلوق و بنده‌ی خداوند، نه شریک و نه شایسته‌ی پرستش؛
- دارای تکالیف الهی و مأمور اجرای آن؛
- دارای وظایف متنوعی همچون:
 - رسالت به سوی بشر یا به سوی هم‌دیگر،
 - حمل عرش، صف‌زندگان، خزنه‌ی بهشت و دوزخ، نویسندگان اعمال، و گردانندگان سحاب.

۳. تحلیل واژه‌شناسانه‌ی واژه‌ی «ملک»:

بیومی به نقل از ابن حجر به تحلیل لغوی واژه‌ی «مَلَك» می‌پردازد و آن را مشتق از «الألوكه» (به معنای پیام‌رسانی) یا «الملک» (قدرت و تسلط) می‌داند. این تحلیل نشان می‌دهد که ملائکه هم قدرت دارند و هم نقش پیام‌رسان الهی را ایفا می‌کنند.

۴. ماده‌ی خلقت فرشتگان:

تنها روایت معتبر در این زمینه، حدیث پیامبر (ص) است که در آن آمده: «خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ...» اما نوع این نور برای انسان ناشناخته است و از جنس ماده‌ی محسوس نیست.

۵. رد دیدگاه‌های غیرنقلی:

در پایان، نویسنده دیدگاه‌هایی همچون:

- فرشتگان، کواکب‌اند؛
 - یا ارواح نیک انسان‌های گذشته‌اند؛
- را مردود می‌شمارد، چراکه هیچ دلیلی از کتاب و سنت برای آن‌ها وجود ندارد.

محمد بیومی با رویکردی نقلی و سنت‌گرایانه، ملائکه را موجوداتی واقعی، نوری، مخلوق و مأمور خداوند معرفی می‌کند که دارای وظایف گوناگون هستند. حقیقت آن‌ها فراتر از درک بشری است و شناخت آن‌ها باید صرفاً بر اساس نصوص قطعی قرآن و حدیث انجام گیرد، نه نظریه‌های فلسفی یا ظنی.

۱۹- عالم الجن و الملائکه

عالم الجن و الملائکه، عبد الرزاق نوفل، دار الكتاب العربی بیروت ۱۴۱۰

عبدالرزاق نوفل در کتاب *عالم الجن و الملائکه* ملائکه را موجوداتی غیبی و غیرقابل مشاهده با حواس انسانی معرفی می‌کند. دیدگاه او بر پایه نصوص قرآنی و حدیثی استوار است و ویژگی‌های ذیل برای ملائکه ارائه می‌دهد:

۱. غیب‌بودن و نادیدنی‌بودن:

نویسنده با استناد به آیات قرآن تأکید می‌کند که انسان نمی‌تواند ملائکه را در حالت عادی ببیند، چرا که آن‌ها از عوالم غیب هستند. این دیدگاه او مبتنی بر آیه‌ای است که نزول فرشته بر زمینیان را مشروط به فرشتگانی در زمین می‌داند.

۲. ایمان به ملائکه به عنوان بخشی از ایمان به غیب:

ایمان به ملائکه در کنار ایمان به خدا، کتاب‌ها، پیامبران و روز قیامت، از ارکان دین معرفی شده و بر اساس آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، باور به ملائکه جزئی از ایمان به غیب است.

۳. ماده خلقت ملائکه:

مؤلف با استناد به حدیث پیامبر (ص) که در صحیح مسلم آمده، ملائکه را مخلوق از نور می‌داند. این ماده خلقت، آن‌ها را از هر گونه ظلمت، آلودگی، شهوت، و وسوسه دور کرده است.

۴. طبیعت ملکوتی و معصوم بودن ملائکه:

با توجه به خلقت نوری، ملائکه از هرگونه خطا و گناه مبرا هستند. آنان موجوداتی پاک، فاقد شهوت و وسوسه، و مطیع محض اراده الهی اند.

دیدگاه عبدالرزاق نوفل در این متن، دیدگاهی سنتی و برگرفته از منابع وحیانی اسلامی (قرآن و حدیث) است که ملائکه را موجوداتی نوری، غیبی، معصوم و غیرمادی معرفی می‌کند. او بر جنبه فراتجربی و روحانی ملائکه تأکید دارد و از هرگونه تفسیر مادی‌گرایانه یا عقل‌گرای صرف پرهیز می‌کند.

۲۰- فرشتگان تحقیقی قرآنی

فرشتگان تحقیقی قرآنی؛ روایی و عقلی، علیرضا رجائی تهرانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول ۱۳۷۶

دیدگاه علیرضا رجائی تهرانی در کتاب *فرشتگان؛ تحقیقی قرآنی، روایی و عقلی* درباره حقیقت و ماهیت فرشتگان، نگاهی جامع، تطبیقی و تحلیلی است که از چندین منظر، آرای مختلف را بررسی می‌کند. خلاصه و تحلیل این دیدگاه به شرح زیر است:

۱. مرزبندی روشن با دیدگاه‌های باطل و غیر اسلامی

نویسنده در گام نخست، دیدگاه‌های بت‌پرستان، مجوس، مسیحیان و برخی فلاسفه قدیم را با استناد به مفاهیم قرآنی و عقلی، مردود اعلام می‌کند. برای مثال:

- نسبت دادن فرشتگان به اجرام آسمانی یا نیروهای خیر و شر طبیعی (نور و ظلمت) را خرافاتی و باطل می‌داند.
- نظریه‌هایی که فرشتگان را تنها "نفوس ناطقه" یا "مدبران زمینی" می‌دانند، به دلیل خلط ماهیت فرشته با جن یا انسان، غیرقابل قبول می‌داند.

۲. بررسی و نقد دیدگاه متکلمان

دیدگاه مشهور متکلمان که ملائکه را *اجسام نورانی دارای عقل و فهم* می‌دانند و توانایی تمثیل و تغییر شکل دارند، در این کتاب پذیرفته شده ولی کامل ندانسته شده است. مؤلف به برخی اشکالات در این نظریه اشاره می‌کند که در فصول بعدی شرح داده می‌شود.

۳. پذیرش و تبیین دیدگاه حکما و عرفا درباره تجرد ملائکه

دیدگاه اصلی مورد پذیرش مؤلف، نظریه *تجرد فرشتگان* است؛ یعنی:

- ملائکه موجوداتی مجرد از ماده، و *پیراسته از خصوصیات جسمانی* هستند.

- استناد به آیات متعدد قرآن و روایات معتبر مانند کلمات امام علی (ع) و تحلیل‌های فیلسوفان بزرگ مانند ابن‌سینا، صدرالم‌تألهین، علامه طباطبایی، امام خمینی (ره)، و شهید مطهری این باور را تقویت می‌کند.
- همچنین روشن می‌سازد که تجسم‌یافتن فرشتگان در برخی موارد (مانند نزول بر انبیا) به صورت تمثیل و صورت مثالی است، نه جسمانیت مادی واقعی.

۴. جمع‌بندی اعتدالی در پایان

رجائی تهرانی با تمسک به کلام امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی، در نهایت موضعی ترکیبی و واقع‌گرا اتخاذ می‌کند:

- برخی ملائکه دارای مراتب بالای تجردند.
- برخی دیگر، مانند فرشتگان عالم برزخ، دارای جسم مثالی یا مجرد مثالی هستند.
- لذا همه ملائکه یک سنخ نیستند، بلکه مراتبی از وجود در میان آنان جاری است: «وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ.»

مؤلف در تحلیل حقیقت فرشتگان:

- دیدگاه قرآنی، فلسفی و کلامی را در کنار هم می‌نشانند؛
- از تقلیل‌گرایی و جسمانگاری پرهیز دارد؛
- و به تجرد ذاتی، عقلانی و مقامی ملائکه باور دارد؛ با در نظر گرفتن تمثیل مثالی در مواجهات انسانی.

نتیجه آن‌که، دیدگاه رجائی تهرانی در این اثر، پیرو نظریه علامه طباطبایی و صدرالم‌تألهین است که فرشتگان را موجوداتی مجرد از ماده، دارای مراتب وجودی، و واسطه‌های اجرای اراده الهی در عالم هستی می‌داند.

۲۱- الملائکه محمد کامل حسن المحامی

الملائکه، محمد کامل حسن المحامی، المکتب العالمی، بیروت، ۱۹۸۸

خلاصه دیدگاه محمد کامل حسن المحامی درباره حقیقت و ماهیت ملائکه:

۱. ماهیت وجودی: ملائکه مخلوقات نور و لطیف هستند که جسم مادی ندارند، نمی‌خورند، نمی‌آشامند و تولید مثل نمی‌کنند.
۲. توانایی تشکل: قادرند به اشکال مختلف (با اراده خداوند) ظاهر شوند؛ اما برخلاف اجنه، هدفشان تحقق خیر و اطاعت از فرمان الهی است.
۳. وظایف و مراتب: دارای نظام سازمان‌یافته‌اند؛ گروه‌هایی مانند حاملی عرش، ملائکه مقرب، و ساکنان آسمان دارند که هرکدام وظایف خاصی مثل استغفار، تسبیح و اجرای اوامر خدا را بر عهده دارند.

۴. نقش در رسالت الهی:

فرشتگان واسطه وحی و اجرای اراده خدا در عالم انسان‌ها هستند و حتی برخی دانشمندان غربی نیز این نقش را پذیرفته‌اند.

در مجموع، نویسنده ملائکه را موجوداتی غیر مادی، نوری، مطیع محض اراده الهی، مأمور اجرای اوامر خداوند، و دارای سلسله مراتب و کارکردهای متفاوت می‌داند. نگاه او تلفیقی از اقوال تفسیری، متون قرآنی، و حتی اشاراتی به همسویی برخی دیدگاه‌های علمی غربی با مفاهیم قرآنی است. در این تحلیل، نوعی تمایل به جمع سنت و علم روز مشاهده می‌شود، با تاکید بر نقش فرشتگان در عالم تدبیر و هدایت انسان.

۲۲- ملائکه، آیت الله شجاعی

ملائکه، آیت الله محمد شجاعی، تنظیم و نگارش محمد رضا کاشفی، اول، ۱۳۸۳

بر اساس دیدگاه آیت الله محمد شجاعی، حقیقت و ماهیت فرشتگان به طور خلاصه و تحلیلی چنین است:

۱. ضرورت شناخت صحیح فرشتگان:

- بسیاری از افراد ناآگاه به دلیل ضعف در معرفت دینی، تصورات غلط و مادی‌گرایانه‌ای از فرشتگان دارند.
- هدف اصلی بحث، پاک‌سازی این پندارهای باطل و ارائه فهمی عمیق و صحیح از ملائکه بر اساس قرآن و روایات است.

۲. ماهیت غیرمادی ملائکه:

- فرشتگان موجوداتی غیرمادی و نوری هستند که از سنخ ماده و جسمانیت نیستند.
- روایات اسلامی صراحت دارند که فرشتگان از نور آفریده شده‌اند و قابل درک با حواس ظاهری انسان نیستند.
- آن‌ها نیاز به خوردن، آشامیدن یا نکاح ندارند و حیاتشان وابسته به «نسیم عرش» است، نه نیازهای مادی.

۳. تمثّل ملائکه:

- گاه به اذن خداوند، فرشتگان در شرایط خاص و برای افراد خاص در قالب‌های قابل دیدن انسانی «تمثّل» می‌یابند (مثلاً برای حضرت مریم).
- این تمثّل‌ها، حقیقت ذاتی فرشتگان نیست بلکه جلوه‌هایی از آنان برای درک انسان‌هاست.

۴. فرشتگان دارای مراتب و کرامت ذاتی‌اند:

- آن‌ها نه تنها مطیع کامل فرمان الهی‌اند، بلکه هر کدام مقامی و رتبه‌ای در نظام هستی دارند.
- برخی از آن‌ها مانند جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل، مأموریت‌های خاص دارند.

۵. حقیقت جناح‌های ملائکه:

- «جناح» در مورد ملائکه، نشانه پر فیزیکی نیست بلکه نشان‌دهنده حضور آن‌ها در مراتب مختلف هستی است.

- جناح‌ها در واقع مرتبه‌هایی از وجود ملائکه یا فرشتگان تحت فرمان آن‌ها هستند که موجب تحقق مشیت الهی در عوالم گوناگون می‌شوند.
- این مفهوم با مقایسه با قوای نفس انسان مانند قوه بینایی و شنوایی توضیح داده شده که خود نفس از طریق آن‌ها در مراتب مختلف عمل می‌کند.

دیدگاه آیت‌الله شجاعی، نگاهی عرفانی، فلسفی و قرآنی به ملائکه است که سعی دارد ذهن مادی‌گرا و اسطوره‌ساز انسان معاصر را به حقیقت تجردی، الهی و سازمان‌یافته فرشتگان هدایت کند. ایشان با بهره‌گیری از قرآن، روایات و مثال‌های دقیق، سعی دارد نشان دهد که:

- ملائکه نه افسانه‌اند، نه خیال، و نه انسان‌هایی با بال.
- آنان مراتب وجودی تجردی و شعوری هستند که به اذن خدا در عالم هستی مأموریت دارند.
- شناخت درست آن‌ها، بخشی از معرفت توحیدی و عرفانی است و نقش مهمی در تربیت معنوی انسان دارد.

۲۳- نقش ملائکه در زندگی انسان

نقش ملائکه در زندگی انسان، بختیارنیا، فرحناز، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۵

فرحناز بختیارنیا در این اثر، ملائکه را موجوداتی شریف، تأثیرگذار، و غیرمادی معرفی می‌کند که:

- قابل درک حسی نیستند (بر ما نامرئی‌اند)،
- واسطه‌ای میان خداوند و جهان مادی محسوب می‌شوند،
- و مأموریت‌هایی الهی در دنیا و آخرت بر عهده دارند.

نویسنده از طریق بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات معتبر، به این نکته تأکید دارد که ملائکه نه صرفاً نماد یا تشبیه، بلکه موجوداتی واقعی با حقیقت مستقل هستند که در نظام هستی نقش فعال دارند. او همچنین ماهیت آن‌ها را غیبی و مجرد اما دارای افعال و تأثیرات عینی و ملموس در عالم ماده معرفی می‌کند.

ویژگی‌های اصلی دیدگاه مؤلف:

۱. نگاه هستی‌شناسانه واقع‌گرا به ملائکه: ملائکه موجوداتی حقیقی‌اند، نه صرفاً مفاهیمی نمادین.
۲. تأکید بر پیوند میان عالم غیب و شهادت: ملائکه نقش واسطه را میان عالم غیب (الهی) و عالم ماده (انسان) ایفا می‌کنند.
۳. جامع‌نگری به وظایف ملائکه: چه در دنیا (امداد، ثبت اعمال، الهام و ...) و چه در آخرت (شفاعت، استقبال از بهشتیان و ...).
۴. تأثیر عملی و مستقیم در زندگی انسان: نقش ملائکه در هدایت، یاری، و تأثیرگذاری بر سرنوشت انسان مورد تأکید قرار گرفته است.

دیدگاه بختیارنیا در این کتاب، مبتنی بر قرائتی دینی و سستی از حقیقت ملائکه است که با تکیه بر منابع اصیل اسلامی، آن‌ها را موجوداتی حقیقی، شریف، و فعال در نظام تکوین و تشریع می‌داند؛ موجوداتی که حضورشان گرچه برای انسان محسوس نیست، اما آثار و نقش آن‌ها در زندگی انسان‌ها قابل شناسایی و تحلیل است.

۲۴- ملائکه در دانشنامه امام خمینی

<https://fa.wiki.khomeini.ir/wiki/ملائکه>

احمد فکور افشارگر، ملائکه، دانشنامه امام خمینی، ج ۹، ص ۴۷۸-۴۸۳.

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره حقیقت و ماهیت ملائکه، ترکیبی است از عرفان، فلسفه اسلامی (مخصوصاً حکمت متعالیه)، و استنباط از قرآن و روایات. ایشان در این زمینه موضعی متفاوت از ظاهرگرایان حدیث‌گرا دارد و با تکیه بر اصول عقلی و شهودی، تصویر پیچیده‌تری از فرشتگان ارائه می‌دهد. تحلیل تفصیلی اما فشرده دیدگاه ایشان به شرح زیر است:

۱. حقیقت وجودی ملائکه: مجرد، نه مادی

امام خمینی ملائکه را موجوداتی مجرد، نورانی و منزّه از ماده می‌داند. برخلاف برخی متکلمان اهل حدیث که آن‌ها را جسمانی و لطیف می‌دانند، امام قائل به تجرد کامل برخی فرشتگان (مانند ملائکه مهیمه و مقرب) و برزخی بودن برخی دیگر است. او تجرد را شرط فهم صحیح از نظام هستی می‌داند و قول به جسمانیت را نوعی سطحی‌نگری عقیدتی می‌خواند.

۲. تنزل و صعود ملائکه: به صورت تمثل، نه جابه‌جایی مکانی

امام صعود و نزول ملائکه را حرکت مکانی نمی‌داند، زیرا آنان جسم ندارند. نزول آن‌ها به شکل تمثل در قلب اولیای الهی یا به صورت مثالی (مانند تمثل جبرئیل به حضرت مریم یا دحیه کلبی) رخ می‌دهد. این دیدگاه از مبانی حکمت اشراق و عرفان اسلامی نیز ریشه می‌گیرد.

۳. اقسام ملائکه از نظر رتبه و وظیفه

امام خمینی برای ملائکه مراتب وجودی قائل است:

- ملائکه مهیمه: غرق در شهود جمال الهی، بی‌توجه به غیر خدا.
- ملائکه مقرب یا جبروتی: مدبران عوالم وجود، مانند عقل اول یا روح اعظم.
- ملائکه ملکوت اعلی و اسفل: مرتبط با عوالم مثال و برزخ.
- ملائکه طبیعت: موکل بر اجزای عالم ماده و عوامل طبیعی.

او به روشنی میان عالم عقل، عالم مثال، و عالم طبیعت تفاوت می‌گذارد و ملائکه هر عالم را متناسب با ویژگی‌های آن عالم می‌داند.

۴. نقش ملائکه در نظام هستی: وسایط فیض

فرشتگان در نگاه امام، واسطه‌های فیض الهی هستند و هر نعمتی که به عالم نازل می‌شود از طریق آنهاست. این وساطت به گونه‌ای است که اراده و فعل آنان در طول اراده الهی است، نه مستقل.

۵. نقد ظاهرگرایی و جسمانیت‌گرایی درباره ملائکه

امام به صراحت با دیدگاه محدثانی که به جسمانیت ملائکه معتقدند مخالفت می‌کند. او دلیل این گرایش را در ناتوانی آنان از درک رابطه بین تجرد و حدوث عالم می‌داند و آن را خطرناک برای توحید و معارف دینی می‌شمارد. او می‌گوید این تصور موجب ورود جسمانیت، جهل و محدودیت به ساحت خداوند خواهد شد.

۶. رؤیت ملائکه و تمثل

ملائکه به سبب تجردشان با حواس ظاهری دیده نمی‌شوند، مگر در صورت تمثل که مطابق عالم مثال و در ظرف خاصی ممکن می‌شود. امام این تمثل را مشروط به انصراف نفس انسان از عالم طبیعت و توجه به باطن می‌داند.

۷. تأکید بر انسجام عقلی، نقلی و شهودی

امام خمینی تلاش می‌کند که نظریه خود درباره ملائکه را با:

- آیات قرآن (مثل لیلۃ القدر، تمثل جبرئیل، ملائکه عذاب و رحمت)،
 - روایات اهل بیت (ع)،
 - مبانی فلسفی (حکمت متعالیه)،
 - و شهود عرفانی
- هماهنگ کند. این تلفیق سبب عمق و انسجام دیدگاه او شده است.

دیدگاه امام خمینی درباره ملائکه، به روشنی با ظاهرگرایی حدیث‌محور فاصله دارد و بر مبنای حکمت متعالیه، عرفان اسلامی و تأملات قرآنی شکل گرفته است. او ملائکه را مراتب مختلفی از موجودات مجرد می‌داند که با تجلیات و تمثالات مختلف، در اداره عالم هستی نقش دارند و همگی در چارچوب اراده خداوند عمل می‌کنند.

۲۵- "الملائکه فی القرآن" تألیف عبدالرزاق الکحاله

مؤلف: عبدالرزاق الکحاله، ناشر: دارالکتب العلمیه، تاریخ انتشار: ۱۹۸۲ میلادی، زبان: عربی

عبدالرزاق الکحاله در این اثر، با تمرکز بر متون قرآنی و روایات نبوی، تلاش کرده است تصویری منسجم و معنوی از ملائکه ارائه دهد. نکات کلیدی دیدگاه او:

- ملائکه را موجوداتی نوری، روحانی و مجرد از ماده می‌داند؛
- بر نقش آن‌ها در اجرای اوامر الهی، هدایت انسان‌ها و تحقق عدالت الهی تأکید دارد؛
- آیات قرآنی را در مورد فرشتگان به گونه‌ای تطبیقی و تفسیری تحلیل می‌کند؛
- دیدگاه او بیش از آنکه فلسفی یا عرفانی باشد، تفسیری و الهیاتی است؛
- با تأکید بر فرامادی بودن فرشتگان، به صراحت جسمانیت را از آن‌ها نفی می‌کند.

به‌طور کلی، نگاه الکحاله نگاهی قرآنی-نقلی و معنوی به ماهیت ملائکه است که با در نظر گرفتن نقش آن‌ها در نظام هستی، تصویری روحانی، مطیع و واسط از آنان ارائه می‌دهد، بدون ورود عمیق به تحلیل‌های فلسفی یا عرفانی.

۲۶- "الملائکه فی الإسلام" تألیف سید محمد تقی موسوی

مؤلف: سید محمد تقی موسوی، ناشر: دارالهدی، تاریخ انتشار: ۲۰۰۵ میلادی، زبان: عربی

سید محمد تقی موسوی در این کتاب با رویکردی ترکیبی از قرآن، حدیث و فلسفه اسلامی، به تبیین ماهیت ملائکه پرداخته و دیدگاهی جامع و نظام‌مند ارائه می‌دهد. نکات اصلی دیدگاه او:

- ملائکه را موجوداتی روحانی و مجرد از ماده معرفی می‌کند؛
- بر نقش‌های الهی آن‌ها مانند رساندن وحی، یاری مؤمنان، و اجرای اوامر خداوند تأکید دارد؛
- از منظر فلسفه اسلامی نیز تفاوت فرشتگان را با سایر موجودات، مانند انسان و جن، بررسی می‌کند؛
- قائل به ثبات وجودی فرشتگان و مصونیت آنان از تغییرات مادی است؛
- نگاه او متکی بر عقل و نقل است و تلاش دارد هماهنگی میان منابع دینی و تحلیل‌های عقلی را حفظ کند.

در مجموع، موسوی فرشتگان را موجوداتی ثابت، الهی و غیرمادی می‌داند که جایگاهی ممتاز در نظام هستی دارند و نقش فعالی در تحقق اراده الهی ایفا می‌کنند. رویکرد او تحلیلی، فلسفی و تفسیری است.

تحلیل و دسته‌بندی دیدگاه‌ها درباره حقیقت و ماهیت ملائکه

۱. دیدگاه‌های فلسفی-عرفانی

- مکتب حکمت متعالیه (علامه طباطبایی، امام خمینی، صدرالمألهین)
 - ملائکه موجوداتی مجرد از ماده و دارای مراتب وجودی متفاوت هستند.
 - نقش آن‌ها به عنوان واسطه‌های فیض الهی در نظام هستی است.
 - تمثّل فرشتگان (مانند نزول جبرئیل) به معنای تجلی مثالی است، نه جسمانیت واقعی.
 - برخی فرشتگان (مانند عقل اول یا ملائکه مقرب) در بالاترین مراتب تجرد قرار دارند.

۲. دیدگاه‌های نقلی-سلفی

- مکتب اهل حدیث (ابن تیمیه، عکاشه عبد المنان، محمد بیومی)
 - ملائکه موجوداتی نورانی و غیرمادی هستند، اما به ظاهرگرایی در توصیف آنها پایبندند.
 - تأکید بر نصوص قرآن و حدیث و پرهیز از تأویلات فلسفی و عرفانی.
 - برخی (مانند ابن تیمیه) تمثّل فرشتگان را محدود می‌دانند و معتقدند آنها نمی‌توانند به هر شکلی درآیند.
 - ردّ هرگونه تفسیر نمادین یا طبیعی‌گرایانه از ملائکه.
- مکتب سلفی معاصر (مانند آثار دکتر عمر الأشقر)
 - توصیف فرشتگان بر اساس احادیث صحیح، بدون ورود به مباحث عمیق فلسفی.
 - تأکید بر وظایف عملی فرشتگان (مثل ثبت اعمال، نزول وحی، قبض ارواح).
 - نفی جنسیت، نیازهای مادی و هرگونه خطا از ملائکه.

۳. دیدگاه‌های تفسیری-تلفیقی

- مکتب تفسیری شیعه (علامه طباطبایی، آیت‌الله شجاعی)
 - ترکیب عقل و نقل در تحلیل ماهیت ملائکه.
 - تأکید بر مراتب تجرد فرشتگان و نقش آنها در تدبیر عالم.
 - نقد دیدگاه‌های ظاهرگرایانه و جسم‌نگارانه.
- مکتب تطبیقی (مانند محمد نصاری)
 - مقایسه دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره فرشتگان.
 - نتیجه‌گیری به نفع دیدگاه شیعه به دلیل تلفیق عقل و روایات اهل بیت (ع).

۴. دیدگاه‌های تربیتی-اجتماعی

- آثار آموزشی (مانند "الملائکه الابرار للاطفال")
 - ارائه تصویری ساده و جذاب از فرشتگان برای کودکان.
 - تأکید بر ایمان به غیب و نقش فرشتگان در زندگی روزمره.
- آثار تربیتی (مانند "نقش ملائکه در زندگی انسان")
 - بررسی تأثیر باور به فرشتگان بر تقوا، اخلاق و معنویت.
 - نشان‌دادن ارتباط فرشتگان با هدایت، حمایت و ثبت اعمال انسان.

اشتراکات و اختلافات

۱. اتفاق نظر کلی

- همه دیدگاه‌ها بر غیرمادی بودن، عصمت و اطاعت محض فرشتگان از خداوند توافق دارند.

- ملائکه در تمام مکاتب به عنوان مجریان اراده الهی و دارای وظایف مشخص (مثل وحی، قبض ارواح، ثبت اعمال) معرفی شده‌اند.

۲. اختلاف‌های اصلی

- ماهیت تجرد فرشتگان:
 - فلاسفه و عرفا قائل به تجرد تام هستند.
 - اهل حدیث بیشتر بر نورانیت و روحانیت بدون ورود به بحث‌های فلسفی تأکید دارند.
- قابلیت تمثّل فرشتگان:
 - عرفا و فلاسفه آن را تجلی مثالی می‌دانند.
 - برخی سلفی‌ها آن را محدود به موارد خاص می‌دانند.
- مراتب فرشتگان:
 - در فلسفه و عرفان، سلسله‌مراتب طولی (عقل اول، فرشتگان مقرب، ...) مطرح است.
 - در نگاه نقلی، بیشتر بر تفاوت در وظایف (جبرئیل، میکائیل، عزرائیل) تأکید می‌شود.

جمع‌بندی نهایی

- ملائکه در منظومه اسلامی موجوداتی واقعی، مجرد (یا نوری)، معصوم و مأمور هستند که در نظام تکوین و تشریع نقش کلیدی دارند.
 - شناخت آن‌ها نیازمند ترکیب نقل (قرآن و حدیث)، عقل (فلسفه و کلام) و شهود (عرفان) است.
 - ایمان به آن‌ها بخشی از ایمان به غیب است و تأثیر عملی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد.
- ملائکه در اندیشه اسلامی، حلقه‌های واسطه بین خدا و عالم طبیعت هستند که هم در نظام تکوین (مانند تدبیر عالم) و هم در نظام تشریع (مانند ابلاغ وحی) نقش ایفا می‌کنند. درک دقیق ماهیت آن‌ها مستلزم عبور از نگاه ظاهری و توجه به ابعاد فلسفی، عرفانی و قرآنی است.

منابع:

۱. بیوت لاتدخلها الملائکه، عکاشه عبد المنان، دار الاسراء، الاولى، ۱۹۹۴
۲. پژوهشی در حقیقت ملائکه، فریبا چناری، نیکان کتاب، اول، ۱۳۸۴
۳. التفضیل الملائکه و الناس، الشیخ الاسلام ابن تیمیه، تحقیق، مجدی فتحی السید، دار الصحابه للتراث، طنطا، الاولى، ۱۴۰۱
۴. جبرئیل امین الوحی الالهی فی التوراه و الانجیل و القرآن، منصور عبد الحکیم، دار الکتاب العربی، سوریا، دمشق، الاولى، ۲۰۰۶
۵. حقیقه الملائکه، ابن تیمیه، دارالکتب العلمیه، تاریخ انتشار: ۱۴ قرن هجری، زبان: عربی
۶. حیات فرشتگان، نفیسه فیاض بخش، کاوس روحی برندق، تهران، فیض فرزنان، ۱۴۰۱
۷. الروح و الريحان و ملائکه الرحمن، زیدان العقرباوری، ریاض، دارالقلم و الکتاب، ۱۹۹۱

۸. ساکنان ملکوت، دکتر نفیسه فیاض بخش، احیاء کتاب، تهران، اول، ۱۳۸۵
۹. سیری در اسرار فرشتگان با رویکردی قرآنی و عرفانی، محمد زمان رستمی و طاهره آل بویه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳
۱۰. سیمای فرشتگان از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، لیلا حاتمی، دکتر محمد بیستونی، قم، بیان جوان، دوم، ۱۳۸۵
۱۱. عالم الجن والملائکه، عبد الرزاق نوفل، دار الكتاب العربی بیروت ۱۴۱۰
۱۲. عالم الملائکه الابرار، دکتر عمر سلیمان الاشقر، مکتبه الفلاح، الکویت، الثالثه، ۱۴۰۳
۱۳. عالم الملائکه فی الكتاب والسنة، محمد بیومی، المکتبه الايمان بالمنصوره، مصر، اولی، ۱۴۱۷
۱۴. فرشتگان تحقیقی قرآنی؛ روایی و عقلی، علیرضا رجائی تهرانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول ۱۳۷۶
۱۵. ماهیت ملائکه، علامه طباطبائی، دارالکتب الاسلامیه، تاریخ انتشار: ۱۳۹۰ هجری شمسی، زبان: عربی
۱۶. ماهیت و ویژگی های ملائکه در تفاسیر قرآن، نصاری، محمد، مهر امیرالمومنین، قم، ۱۳۹۷
۱۷. المخلوقات الخفیه فی القرآن الملائکه، الجن و ابلیس، طباطبائی، محمد حسین، دار الصفوه، بیروت، ۱۴۱۵
۱۸. الملائکه الابرار للاطفال، مجدی فتحی السید، دار الصحابه للتراث، الاولى، ۱۴۱۲
۱۹. الملائکه حقیقتهم وجودهم صفاتهم، احمد حسن الشیخ، جروس برس، لبنان، طرابلس
۲۰. ملائکه در دانشنامه امام خمینی، احمد فکور افشاگر، ملائکه، دانشنامه امام خمینی، ج ۹، ص ۴۷۸-۴۸۳.
۲۱. الملائکه فی الإسلام، سید محمد تقی موسوی، دارالهدی، تاریخ انتشار: ۲۰۰۵ میلادی، زبان: عربی
۲۲. الملائکه فی القرآن، دارالکتب العلمیه، تاریخ انتشار: ۱۹۸۲ میلادی، زبان: عربی
۲۳. الملائکه و بقاء الروح و الحیاء الاخره، سعید النورسی، ترجمه احسان قاسم الصالحی، مطبعه الزاهراء الحدیثه، موصل، ۱۴۰۴
۲۴. ملائکه، آیت الله محمد شجاعی، تنظیم و نگارش محمد رضا کاشفی، اول، ۱۳۸۳
۲۵. الملائکه، محمد کامل حسن المحامی، المکتب العالمی، بیروت، ۱۹۸۸
۲۶. نقش ملائکه در زندگی انسان، بختیارنیا، فرحناز، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۵